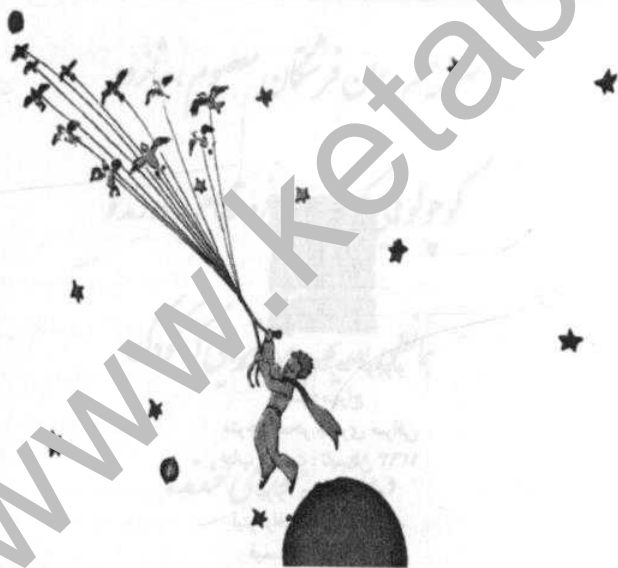


گمان می‌کنم شازده کوچولو
برای فرارش از مهاجرت پرنده‌های
وحشی استفاده کرد

شازده کوچولو



آنتوان دو سنت اگزوپری

ترجمه

سحر صرافین

سرشناسه	: سنت اگزوپری، آنتوان دو، ۱۹۰۰ - ۱۹۴۴ م.
عنوان و نام پدیدآور	: Saint-Exupery, Antoine de
مشخصات نشر	: شازده کوچولو
مشخصات ظاهری	: تهران: مهراج، ۱۳۹۴.
شابک	: ۱۲۸ص: مصور.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-600-5683-56-1
یادداشت	: فبیای مختصر
یادداشت	: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	: عنوان اصلی: Le petit prince.
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف با مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
شماره افزوده	: جعفری صراف، سحر، ۱۳۶۱ - مترجم
شابک ملی	: ۳۷۹۴۹۳۲



نام کتاب: شازده کوچولو

ناشر: مهراج

مترجم: سحر جعفری صراف

چاپ نخست: تابستان ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: طاووس رایانه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۸۳-۵۶-۱

نشانی: میدان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه قدیری، پلاک ۲۰

تلفکس: ۶۶۴۷۷۴۸۰ همراه ۰۹۳۰۵۹۵۶۸۷۷

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

مقدمه

آوان در سنت اگزوپری فرزند سوم ژان دو سنت اگزوپری، سال ۱۹۰۰ در شهر لیون زاده شد. پدر و مادر او اصلاً اهل لیون نبودند و در آن شهر نیز شرکت نداشتند و بنابراین تولد آنتوان در لیون امری کاملاً اتفاقی بود.

چهارده ساله بود که پدرش مرد. از آن پس نگاهداری و تربیت او به دوش مادرش افتاد. دوران کودکی او با یک برادر و سه خواهرش در سن موريس و مول که املاک مادر بزرگش در آن جا بود سپری شد. دوره‌ی دبستان را در «مان» به پایان رسانید. در آن دوره‌ی دبیرستان پیش یکی از استادان موسیقی به آموختن ویلن پرداخت. یگانه برادرش فرانسوا به سال ۱۹۱۷ به بیماری روماتیسم قلبی در گذشت و بار مسئولیت گذران خانواده یک باره به گردن او افتاد.

آنتوان برای انجام خدمت سربازی به نیروی هوایی پیوست و در سال دو سال خدمت؛ فن خلبانی و مکانیک آن را فرا گرفت، چنان که از زمره هوانوردان خوب و زبر دست ارتش فرانسه به شمار می‌رفت. در سال ۱۹۳۲ دوره‌ی خدمت وظیفه را به پایان رسانید و می‌خواست دوباره به زندگی کشوری باز گردد، و حتی مدتی نیز به کارهای گوناگون پرداخت،

لیکن آخر به راهنمایی و اصرار یکی از فرماندهان نیروی هوایی که سخت به او علاقه مند بود به خدمت دائمی ارتش در آمد.

آنتوان در دوران تحصیل در دبستان و دانشکده گاهی ذوق و قریحه‌ی شاعری و نویسندگی خود را با نگاشتن و سرودن می‌آزمود و اغلب نیز مورد تشویق و تقدیر دبیران و استادانش قرار می‌گرفت. اینک در خدمت نیروی هوایی با پروازهای بسیارش به سرزمین‌های گوناگون و به میان ملت‌های مختلف با زیبایی‌های طبیعت و چشم اندازهای متنوع جهان و با جامعه‌های گوناگون آشنا می‌شد و طبع حساس و نکته‌سنجش بهش اندیش الهام می‌گرفت و از هر خرمنی خوشه‌ای می‌یافت.

در ۱۹۲۵ داستان که تالی از او به نام «سانون» در یکی از مجله‌های پاریس انتشار یافت. آن کسی که او را در زمره‌ی نویسندگان به شمار نیاورد، و خود او نیز هنوز به اسی گمان نویسندگی به خود نمی‌برد. در همین اوان بود که به یک مأموریت سیاسی در میان قبایل صحرا نشین «مور» در جنوب مراکش که تبعه‌ی اسپانیا بودند رفت، و چون به خوبی از عهده‌ی اجرای این مأموریت برآمد مورد تئویقه فرماندهان و زمامداران وقت قرار گرفت. «پیک جنوب» اثر دیگر او در همین ادگار زمانی است که نویسنده‌ی هوانورد در میان قبایل صحرا نشین اسپانیا راکش به سر می‌برد. هنگام بازگشت به فرانسه نخستین ره آوردی که با خود آورد نسخه‌ی خطی کتاب «پیک جنوب» بود. او این نوشته را به پسر عمیش پسر عمویش به چند تن از ادیبان و نویسندگان فرانسه نشان داد. آنان بیش از حد انتظار تشویقش کردند. در همین اوان، یکی از ناشران سرشناس پاریس قرار دادی برای انتشار «پیک جنوب» و چند نوشته‌ی

دیگر با او بست. و آن گاه نویسنده‌ی جوان به ارزش نوشته‌ی خود پی برد.

در ۱۹۲۷ برای انجام مأموریت دیگری به آمریکای جنوبی رفت و در آن جا وقت بیش تری برای پیگیری افکار خویش یافت. دو کتاب جالب او به نام «زمین انسان‌ها»^۱ و «پرواز شبانه»^۲ یادگار آن زمان است. در ۱۹۳۰ بار دیگر به فرانسه بازگشت و در شهر «آگه»^۳ که مادر و تهرش هنوز در آن جا اقامت داشتند عروسی کرد. اثر زیبای او به نام «پرواز شبانه» که مورد تقدیر و تحسین آندره ژید نویسنده‌ی بزرگ فرانسوی واقع شده بود منتشر گردید و چندی نگذشت که به چند زبان اروپایی ترجمه شد و مقام ادبی و شخصیت هنری اگزوپری را به اثبات رسانید.

در ۱۹۳۵ با هواپیمای حمله‌گر شنی در اطراف کشورهای مدیترانه کرد و بیش از پیش با زیبایی‌های آن متعجب آسنا شد. سپس در کشورهای آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحد آمریکا به گردش پرداخت و از هر یک از آن کشورها و این فرهنگ‌های تفریحی و سیاسی نوشته‌ای اندوخت و ارمغانی آورد که در روزنامه‌ها و مجله‌های پاریس به چاپ می‌رسید. در ۱۹۳۸ از آمریکا بازگشت ولی چون بر اثر یک سانحه‌ی هوایی در گواتمالا که برای هواپیمای او پیش آمد سخت آسیب دیده بود مدتی بستری شد.

در ۱۹۳۹ اثر معروف او به نام انسان‌ها (که به وسیله‌ی سروس چاپ شد) به فارسی ترجمه شده است) برای نخستین بار منتشر شد و چندان مورد

1 Terre des Hommes

2 Vol de Nuit

3 agay

توجه واقع شد که از طرف فرهنگستان فرانسه به دریافت جایزه‌ی ادبی نایل آمد.

اگزوپری در همان سال بار دیگر به آلمان رفت و به رهبری اوتوآبتز^۱ رجل سیاسی آلمان هیتلری و مدیر انجمن روابط فرهنگی آلمان و فرانسه از مدارس برلن و از دانشگاه دیدن کرد. به هنگام بازدید از دانشگاه، از استادان پرسید که آیا دانشجویان می‌توانند هر نوع کتابی مطالعه کنند. استادان جواب دادند که دانشجویان برای مطالعه‌ی هر نوع کتابی که بخواهند آزادند ولی در شیوه‌ی برداشت و نتیجه‌گیری اختیار ندارند. زیرا همانان آلمانی نازی به جز شعار «آلمان بالای همه» نباید نظر و عقیده‌ی دیگری داشته باشند.

اگزوپری در همان چند ساعتی که در دانشگاه و در دبیرستان‌ها به بازدید گذراند از فراداد^۲ «زنده باد هیتلر» و از صدای برخورد چکمه‌ها و مهمیزها ناراضک شد، رفتیم به منزل خود در هتل از می‌گشت به اوتوآبتز گفت:

من از این تیپ آدم‌ها که شما می‌سازید خشم نیامد. در این جوان‌ها اصلاً روح نیست و همه به عروسک کوچکی می‌مانند...
 اوتو آبتز بسیار کوشید تا با تشریح آراء و نظرات حزب ناز نظر نویسندگی جوان را با خود هم داستان کند ولی سودی نداشت.
 پس از تسلیم کشور فرانسه به قوای آلمان، اگزوپری به آلمان تبعید شد و کتاب‌های زیبایی چون «قلعه»^۳ و «شازده کوچولو»^۴ و «سبب جنگی»^۴ را در سال‌های تبعید نوشت.

1 Otto Abetz

2 Citadelle

3 Le Petit Prince

4 Polite de Guerre

به هنگام گشایش جبهه‌ی دوم و پیاده شدن قوای متفقین در سواحل فرانسه، دیگر بار به زادبوم خویش بازگشت و با درجه‌ی سرهنگی نیروی هوایی دوش به دوش سربازان و افسران متفق برای نجات میهن از یوغ فاشیسم جان بر کف نهاد. در ۲۱ ژوئیه‌ی ۱۹۴۴ که برای پرواز اکتشافی بر فراز فرانسه‌ی اشغال شده از جزیره‌ی «کرس» به پرواز در آمده بود شکست. هواپیماهای شکاری آلمان شد و دیگر به فرودگاه بازنگشت.

می‌گویند چندی بعد، از گزارش افسر آلمانی به قسمت فرماندهی خود معلوم شد که یکی از افسران مقتول دشمن همان آنتوان دو سنت اگزوپری است.

از شگفتی‌های تصادف، افسر گزارش دهنده، خود یکی از علاقه‌مندان به آثار اکزوپری است. از مت‌جمان آلمانی یکی دو نوشته‌ی او بود و آن قدر از آن ضایعه‌ی اسفناک آلوده گین شد که مدتی گریست.

اکزوپری نویسنده‌ای است انسان‌دوست، نازک خیال، با ذوق و توانا، شیوه‌ی نگارشش بسیار ساده و شیرین و روان و سهل و ممتنع است. مطالب ژرف فلسفی را در قالب عبارات‌های بسیار ساده و کوتاه و تقریباً بچگانه چنان استادانه می‌ریزد که خواننده را به بندگی مسحور زیبایی کلام و بلندی فکر می‌کند.

شاهکارش شازده کوچولو اثری است خیال‌انگیز و زیبا که فلسفه‌ی دوست داشتن و عواطف انسانی در خلال سطرهای آن به سادگی و بی‌پنداری در عین حال عمیق‌ترین شکل تجزیه و تحلیل شده و نویسنده در سراسر کتاب کسانی را که با غوطه‌ور شدن و دل بستن به مادیات و پای بند بودن به تعصب‌ها و خودخواهی‌ها و اندیشه‌های خرافی بی‌جا از راستی و پاکی و خوی انسانی به دور افتاده اند زیر نام «آدم بزرگ‌ها» به باد مسخره گرفته است. نیشی که این نویسنده‌ی شیرین گوی نکته‌سنج

به «آدم بزرگ‌های» آزمند و خودبین می‌زند در بسیاری موارد یاد آور نیش عارفانه‌ی حافظ شیرین سخن و مولای بزرگ روم است و خواننده را بی اختیار به یاد آن دو شاعر والای جامعه‌ی بشری می‌اندازد. شازده کوچولو شعری است منثور و نثری است شاعرانه که جدا از شیوه‌ی زیبایی نگارش آن سرشار از جهانی فکر و لطف و معنی است.

در این داستان آگزوپری به شیوه‌ای سورئالیستی و به بیان فلسفه خود از دوست داشتن و عشق و هستی می‌پردازد. طی این داستان آگزوپری از دیدگاه یک کرم که از سیارکی به نام ب۶۱۲ آمده، سوالات بسیاری را در آدم و کرم‌های آن‌ها مطرح می‌کند. این اثر به بیش از ۱۵۰ زبان مختلف ترجمه شده است. مجموع فروش این کتاب به زبان‌های مختلف از دویست میلیون دلار به گذشته است.

این کتاب در سال ۱۹۵۰ به عنوان کتاب سال فرانسه برگزیده شده است.

در فرانسه، درباره‌ی این کتاب با ذوق که مسلماً جنبه‌ی ادبی و شخصیت هنریش بر مقام نظامیش می‌چید مقاله‌ها و کتاب‌ها نوشته و کنفرانس‌ها داده اند. این مختصر که در این کتاب صورت مقدمه آورده شده اقتباسی است از یک کتاب نفیس درباره‌ی زندگی و ویژگی‌های ذوق و هنر او به قلم «پی‌یر شوریه» که در ۱۹۳۰ میلادی در پاریس به چاپ رسیده است.